



بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی

- دکتر امیر حسین آبادی^۱
- استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

سرپرست ممکن است به موجب قانون یا بر حسب قرارداد، تکلیف به نگهداری یا مواظبت از مجنون یا صغیر را بر عهده داشته باشد. هر کدام از سرپرستان، اعم از قانونی مانند پدر و مادر یا قراردادی مانند بیمارستان یا مهد کودک، در صورتی که در نگهداری صغیر یا مجنون کوتاهی کنند، مسئول جبران خسارات وارده از طرف آنها خواهند بود. اینکه اگر فرزند نامشروع (ولد زنا) مرتکب ورود خسارت به دیگران شود، پدر یا مادر عرفی او مسئول جبران زیان هستند یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد.

در حقوق فرانسه به موجب قانونی که در سال ۲۰۰۱ م. به تصویب قوه مقننه رسید، فرزند نامشروع از تمامی حقوقی که فرزند مشروع برخوردار است، بهره‌مند می‌گردد، فقط از لحاظ وراثت برای فرزند نامشروع محدودیتهایی وجود دارد؛ بنابراین، چنانچه طفل نامشروع، خسارتی به دیگران

بزند، پدر و مادر طبیعی (عرفی) او متضامناً مسئول جبران زیان می‌باشند. در حقوق ایران، طبق ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود»، لکن به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳ ش. هیئت عمومی دیوان عالی کشور، زانی را پدر عرفی طفل تلقی کرد؛ در نتیجه، کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده او می‌باشد؛ بنابراین، اگر پدر عرفی که سرپرست قانونی طفل به شمار می‌رود، در نگهداری او تقصیر کند و طفل خسارتی به دیگران بزند، پدر عرفی (زانی) طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی عهده‌دار جبران زیان خواهد بود.

اگر سرپرست استطاعت جبران خسارت را نداشته باشد، زیان از مال مجنون یا صغیر جبران می‌شود. اینکه آیا صغیر یا مجنون اصالتاً زیان را جبران می‌کنند یا به جانشینی از سرپرست، زیان از مال او جبران می‌شود، اختلاف عقیده وجود دارد؛ به نظر می‌رسد صغیر یا مجنون بتواند پس از جبران خسارت، در صورت ملائت به سرپرست مراجعه کند.

کلید واژگان: سرپرست، مجنون یا صغیر، نگهداری، مواظبت، استطاعت جبران زیان، عسرت و تنگدستی.

کلیات

مسئولیت به معنای «پاسخگویی است» و مسئول، شخصی است که باید پاسخگویی اعمال و اقدامات خود باشد. این پاسخگویی را گاهی شخص در برابر خود یا خداوند به عهده دارد. چنین مسئولیتی را اصطلاحاً «مسئولیت اخلاقی» می‌گویند که فاقد ضمانت اجرای حقوقی و قضایی است و ضمانت اجرای آن به صورت عذاب وجدان و مجازات اخروی ظاهر می‌شود.

گاهی شخص ناگزیر از پاسخگویی در مقابل اجتماع می‌شود و به لحاظ قوانین و مقررات عمومی در قبال جامعه مسئولیت می‌یابد. این مسئولیت را «مسئولیت کیفری» می‌نامند و شخص مسئول از سوی دادستان که نماینده جامعه است، تحت تعقیب قرار می‌گیرد و در صورت اثبات جرم وی، به یکی از مجازاتهای مقرر در قانون محکوم می‌شود.

مسئولیت مدنی در جایی مورد پیدا می‌کند که شخص، پاسخگوی اعمال و اقدامات خود در مقابل شخص دیگری باشد و ناچار شود خسارتی را که به او وارد

کرده است، جبران کند؛ پس مسئولیت مدنی در معنای خاص خود به معنای «جبران خسارات وارده به دیگران» می‌باشد.

مسئولیت اخلاقی هر چند مستقیماً ضمانت اجرای قانونی ندارد، پایه و اساس بسیاری از قواعد حقوقی را تشکیل می‌دهد. بحث از قواعد اخلاقی و به طور کلی، رابطه حقوق با اخلاق در فلسفه حقوق مورد مطالعه قرار می‌گیرد. علاقه‌مندان در این زمینه، می‌توانند کتابهای فلسفه حقوق را مطالعه کنند (برای مطالعه در خصوص حقوق و اخلاق، ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۱: ۵۴۵/۱ به بعد).

جایگاه بحث در مسئولیت کیفری هم حقوق جزاست؛ هر چند در بسیاری از موارد، مسئولیت کیفری عموماً مسئولیت مدنی هم به دنبال دارد، حیظه و قلمرو هر یک از این دو نوع مسئولیت، جدا از یکدیگر است.

مسئولیت مدنی به طور کلی، به سه صورت تحقق می‌یابد: الف) گاهی ناشی از فعل شخص زیان‌زننده است؛ ب) گاهی شخص باید خسارات ناشی از فعل زیان‌آور دیگران را جبران کند و ج) گاهی هم منشأ خسارت، اموال و اشیای تحت مالکیت و تصرف شخص است.

مسئولیت مدنی ناشی از فعل دیگران

اصل بر این است که هر کس پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشد، لکن مسئولیت ناشی از فعل دیگران استثنایی است که به منظور حمایت از زیان‌دیده و بهتر جبران کردن زیان او وضع شده است. از موارد و مصادیق بارز این نوع مسئولیت می‌توان به مسئولیت کارفرما نسبت به اعمال و اقدامات کارگران (ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی)، مسئولیت مدنی سرپرست صغیر یا معجون نسبت به اعمال زیان‌بار آنان (ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی) و به تعبیری و با اندکی مسامحه، به مسئولیت مدنی دولت و شهرداریها نسبت به خسارات وارده از جانب کارمندان آنان (ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی) اشاره کرد.

در مورد اخیر، یعنی مسئولیت دولت و شهرداریها در قبال اعمال کارکنان آنان ممکن است گفته شود، مسئولیت ناشی از فعل غیر نیست؛ زیرا در ماده ۱۱ قانون

مسئولیت مدنی تصریح شده که دولت در صورتی مسئول جبران خسارت است که مستند به عمل کارمند نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات دولتی باشد؛ در این صورت، مسئولیت ناشی از فعل غیر منتفی است.

در مورد سرپرست صغیر یا مجنون هم ماده ۷ صراحت دارد که آنان وقتی مسئول جبران خسارت اند که در نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر کوتاهی کرده باشند. در این مورد هم ملاحظه می‌گردد که مسئولیت به فعل یا ترک فعل (تعدی و تفریط) خود سرپرست برمی‌گردد و در حقیقت، به فعل شخصی آنان مستند است نه اعمال دیگران.

در خصوص مسئولیت کارفرما وضع اندکی متفاوت است؛ زیرا برابر ماده ۱۲ کارفرما مسئول جبران خسارات وارده از جانب کارگر است مگر آنکه بی‌تقصیری (رعایت احتیاطات لازمه) از طرف خود را ثابت کند.

برخی از نویسندگان فرانسوی برای مسئولیت کارفرما نسبت به اعمال خسارت آمیز کارگر دو مبنا بیان کرده‌اند (Pierre Guiho: vol.۴, p.۲۱۶-۲۱۷). یک مبنا «حق انتخاب» است. بدین توضیح که چون کارفرما کارگر را انتخاب کرده است، باید مسئولیت ناشی از این انتخاب نادرست را به عهده بگیرد؛ این مبنا که در حقیقت نظر پوتیه،^۱ حقوقدانان قدیم فرانسه، است و در بررسیهای مقدماتی قانون مدنی فرانسه مورد توجه تهیه‌کنندگان آن قرار گرفته، نمی‌تواند مورد قبول باشد؛ زیرا معنای آن این است که اگر کارگر خسارتی به دیگری بزند، کاشف به عمل می‌آید که خوب انتخاب نشده است، در حالی که هیچ کارفرمای دقیقی هنگام انتخاب نمی‌توانسته پیش‌بینی کند که کارگر در آینده مرتکب خطا و بی‌مبالاتی می‌گردد. رویه قضایی فرانسه هم این مبنا را نپذیرفته است (Ibid.).

مبنای دیگر، «تکلیف در مراقبت و نظارت بر کارگر» است. به موجب این مبنا وقتی کارگری به دیگری خسارت می‌زند، معلوم می‌شود که درست تحت مراقبت و نظارت قرار نگرفته است و این امر، اماره بر تقصیر کارفرماست که بر اعمال

۱. Pothier.

کارگر نظارت دارد. در نهایت، خسارتی را که در این راستا جبران می‌کند، نتیجه کوتاهی خود او در مراقبت و نظارت بر کارگر است.

این مبنا اگرچه از مبنای حق انتخاب قانع‌کننده‌تر است، مصون از انتقاد نیست. در ایراد به آن می‌توان گفت، امروزه مراقبت چنان محدود نیست که کارفرما بتواند در جزئیات بر کارگر نظارت کند، بلکه کارگر در اقدامات خود تا حدود زیادی از آزادی عمل برخوردار است، نمی‌توان گفت، در هر مورد که کارگر در حین کار خسارتی به دیگری بزند، به علت عدم مراقبت از طرف کارفرما بوده است.

واقعیت این است که در مسئولیت کارفرما نسبت به اعمال خسارت‌آمیز کارگر، قانونگذار بیش از آنچه به دنبال اماره بر تقصیر کارفرما یا فرض تقصیر برای او باشد، به فکر حمایت از زیان‌دیده و بهتر جبران شدن خسارات وارده به او بوده است.

شایان ذکر است که اگر بپذیریم در موارد سه‌گانه فوق حتی مسئولیت دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، ناشی از تقصیر آنان است، این واقعیت که منبع و منشأ خسارت به شخص دیگری غیر از جبران‌کننده برمی‌گردد، انکارناپذیر است؛ بنابراین، مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر مطلب درست و مقبولی است.

پس از بیان کلیاتی مربوط به مسئولیت ناشی از فعل غیر، به بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی می‌پردازیم.

مسئولیت مدنی سرپرست مجنون یا صغیر

پیشرفت و توسعه وسایل و لوازم سرگرمی کودکان و استفاده بیشتر آنان از دستگاههای مدرن امروزی از قبیل اینترنت، کامپیوتر و امثال آن از یک طرف و کم‌رنگ شدن نظارت و مواظبت والدین بر اطفال و سست شدن بنیان خانواده نسبت به زندگی سنتی قدیم از طرف دیگر و وجود بیماریهای متعدّد روانی که ویژه زندگی پیچیده و مدرن قرن بیست و یکم است، ایجاب می‌کند که قانونگذاران در وضع قانون و قضاوت در رویه‌های قضایی، توجه خاصی به خسارات ناشی از اعمال و اقدامات این گروه از شهروندان مبذول دارند.

قانون مدنی با اینکه حدود هشتاد سال قبل تصویب شده، مسئولیت مدنی صغیر و

مجنون در آن مغفول نمانده است. ماده ۱۲۱۶ این قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه صغیر یا مجنون باعث ضرر شود ضامن است». ولی در این ماده از مسئولیت سرپرست آنان صحبتی نشده است. شاید از ماده ۳۳۲ در باب تسبیب (اقوا بودن سبب از مباشر) بتوان مسئولیت مدنی نگهدارنده (سرپرست) را استنباط کرد، اما ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی که سالها پس از قانون مدنی و در سال ۱۳۳۹ ش. به تصویب رسیده است، مسئولیت مدنی سرپرست را در صورت تقصیر در نگهداری به صراحت پذیرفته است. این ماده مقرر می‌دارد:

کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد.

بر خلاف نظر برخی از حقوقدانان (صفایی، ۲۵۳۶: ۴۷) از کلمه «کسی» در ماده مزبور نباید منحصرأفاده شخص حقیقی شود، این ماده اشخاص حقوقی اعم از حقوق عمومی و حقوق خصوصی را دربرمی‌گیرد؛ چنان که بسیاری از بیمارستانها و مهد کودکها که مجانین و کودکان در آنجا نگهداری می‌شوند، دارای شخصیت حقوقی هستند. حتی برخی از شخصیتهای حقوقی حقوق عمومی نظیر سازمان بهزیستی قانوناً وظیفه نگهداری و حمایت از اطفال بی سرپرست را به عهده دارد. این مقاله در دو مبحث ارائه می‌گردد که در مبحث نخست، مفهوم و مصادیق سرپرست و در مبحث دوم، شرایط تحقق مسئولیت مدنی سرپرست بیان می‌شود.

مبحث نخست: مفهوم و مصادیق سرپرست

معنای لغوی سرپرست با مفهوم حقوقی آن یکسان است. سرپرست در لغت به معنای «مواظب و مراقب» آمده و یا «آن که عهده‌دار مواظبت و نگهداری شخص، شیء یا مؤسسه‌ای» باشد (دهخدا، ذیل واژه «سرپرست»؛ معین، ۱۳۶۰: ذیل واژه «سرپرست»).

در اصطلاح حقوقی، سرپرست به شخصی گفته می‌شود که نگهداری و مواظبت

و اداره امور افرادی را که به لحاظ صغر سن، جنون یا سفاهت نیاز به سرپرست دارند، به عهده دارد. دکتر جعفری لنگرودی، سرپرست را منحصر به «قیم» دانسته‌اند و سرپرستی را به جای «قیمومت» به کار برده‌اند (۱۳۷۸: ج ۲، شماره ۸۰۱۸) در حالی که سرپرست معنای وسیع‌تری از قیم دارد و وصی و به تعبیری، امین را هم دربرمی‌گیرد.

قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب اسفندماه سال ۱۳۵۳ ش. در ماده ۲ سرپرستی را به منظور تأمین منافع مادی و معنوی طفل برقرار کرده است و در ماده ۱۲ وظایف و تکالیف سرپرست و طفل تحت سرپرستی را از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام، نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر دانسته است و تبصره این ماده، اداره اموال و نمایندگی قانونی طفل صغیر را به عهده سرپرست گذاشته است.

بر حسب اینکه منشأ تعهد به نگهداری و مواظبت از مجنون و صغیر، قانون باشد یا اینکه این تعهد از قرارداد نشأت گیرد، سرپرستی به «قانونی» و «قراردادی» تقسیم می‌شود. به همین دلیل، قسمت نخست ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر داشته است: «کسی که نگهداری و مواظبت مجنون یا صغیر، قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد...».

هر یک از این دو نوع سرپرستی را در گفتاری جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

گفتار نخست: سرپرست قانونی

اشخاصی که به موجب قانون به نگهداری یا مواظبت از مجنون یا صغیر مکلف می‌باشند یا اشخاص حقیقی‌اند یا اشخاص حقوقی.

الف) اشخاص حقیقی

در بین اشخاص حقیقی افراد مختلفی به نگهداری از صغیر یا مجنون مکلف می‌باشند که به ترتیب اولویت به معرفی آنان می‌پردازیم:

۱. پدر و مادر

نخستین کسانی که تکلیف به نگهداری از اطفال صغیر خود دارند، پدر و مادر هستند. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است».

مبنای مسئولیت پدر و مادر طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، تقصیر در نگهداری یا مواظبت است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا نگهداری و مواظبت دو امر جداگانه است یا اینکه این دو، دو اصطلاح مترادف با یکدیگر است. به نظر دکتر کاتوزیان، نگهداری و مواظبت با یکدیگر متفاوت است، ایشان معتقدند نگهداری بیشتر در مواردی به کار می‌رود که سرپرست در محل سکونت یا کار خود، از کودک پذیرایی می‌کند و تربیت او را به عهده دارد، ولی مواظبت به سرپرستی معنوی و هدایت کودک یا دیوانه و نظارت بر رفتار و معاشرت و تعلیم و تربیت او گفته می‌شود (۱۳۷۸: ج ۱، ش ۲۷۸).

ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی و بعد آن، این نظر را تأیید می‌کند. در این مواد که از نگهداری به حضانت نیز تعبیر شده، به وضوح استنباط می‌گردد که نگهداری شامل تربیت طفل هم می‌شود؛ چنان که ماده ۱۱۷۸ به صراحت آن را بیان کرده است. تا هنگامی که پدر و مادر با یکدیگر زندگی می‌کنند و فرزند تحت نگهداری آنان است، چنانچه بر اثر کوتاهی در نگهداری، خسارتی به دیگری وارد شود، هر دو مسئول جبران خسارت هستند. البته در اینکه این مسئولیت تضامنی است یا بالمناصفه اختلاف نظر وجود دارد. با توجه به اینکه تضامن در حقوق ما استثناست، به نظر می‌رسد مسئولیت تنصیفی بیشتر منطبق بر قانون باشد، لکن اگر پدر و مادر به هر علتی، خواه طلاق یا دلیل دیگری، جدا از یکدیگر زندگی کنند، کسی که نگهداری به موجب قانون یا به حکم دادگاه بر عهده اوست، مسئول جبران خسارت است.

در حقوق فرانسه، مطابق بند ۴ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی، پدر و مادر تا زمانی که حق نگهداری طفل با آنهاست، متضامناً مسئول خساراتی هستند که فرزند صغیر آنان به دیگری وارد کرده است، مشروط بر اینکه طفل با آنها زندگی کند. پدر و مادر

در صورتی محکوم به پرداخت خسارت می‌شوند که نتوانند ثابت کنند که جلوگیری از فعل زیان‌بار طفل از توان آنها خارج بوده است؛ به عبارت روشن‌تر، ورود خسارت از طرف صغیر، اماره بر تقصیر پدر و مادر اوست؛ چون این اماره از اماراتی نیست که خلاف آن اثبات‌نشده باشد. اگر پدر و مادر ثابت کنند که نتوانسته‌اند از وقوع فعل زیان‌بار طفل جلوگیری کنند، مسئول پرداخت خسارت نخواهند بود (بند ۷ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه).

در این مورد، بین فرزند قانونی و فرزند طبیعی (فرزند ناشی از رابطه بدون ازدواج) هیچ تفاوتی وجود ندارد. از تاریخ ۳ دسامبر ۲۰۰۱ م. به موجب قانون شماره ۲۰۰۱/۱۱۳۵ تمام تبعیضات علیه فرزند نامشروع یا طفل ناشی از زنا محصنه^۱ از بین رفته است و از این تاریخ به بعد، این گونه اطفال مانند فرزند مشروع هستند. بدیهی است مسئولیت والدین آنان هم در خصوص خسارات وارده به اشخاص ثالث مانند فرزند مشروع خواهد بود.

در حقوق ایران، هرچند برابر ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی، طفل متولد از زنا به زانی ملحق نمی‌شود، لکن مطابق رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۱۳ به جز توارث، کلیه تکالیف پدر و مادر درباره فرزند نامشروع همانند فرزند مشروع است.^۲

۱. l'enfantadultérain.

۲. رأی مزبور که بر اثر صدور دو رأی معارض از شعب ۲۲ و ۳۰ دیوان عالی کشور در مورد گرفتن شناسنامه برای فرزند نامشروع صادر شده است، بدین شرح است: «به موجب بند «الف» ماده ۱ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ۱۶ و ۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا اینکه ابوین طفل نامعلوم باشد، تعیین تکلیف کرده است، لکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید، با استفاده از عموماً و اطلاق مواد یادشده و مسئله ۳ و مسئله ۴۷ از موازین قضایی از دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام زانی، پدر عرفی طفل تلقی و در نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می‌باشد و حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است. لذا رأی شعبه سی‌ام دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد، به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور موافق و منطبق با موازین شرعی و قانونی تشخیص می‌گردد» (نقل از: مجموعه

با توجه به مفاد این رأی که مانند قانون برای تمام دادگاهها و سایر مراجع لازم‌الاتباع است، تکلیف مربوط به نگهداری طفل طبق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی و بعد آن، در مورد اطفال نامشروع هم مجری می‌باشد و چنانچه این اطفال به علت تقصیر در نگهداری، مرتکب ورود خسارت به دیگران شوند، مورد مشمول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی خواهند بود و پدر و مادر عرفی آنها مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود. دکتر امامی تکلیف به نگهداری فرزند نامشروع را برای پدر و مادر طبیعی بر مبنای قاعده تسیب می‌دانند و معتقدند چون پدر و مادر طبیعی (عرفی) موجب ایجاد طفل شده‌اند، تکلیف آنان به نگهداری از او مانند تکلیف ناشی از نسب قانون است (۱۳۷۰: ۵/۱۸۲).

۲. جد پدری

طبق ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی، طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد. همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون وی، متصل به صغر باشد.

به طوری که ملاحظه می‌شود، در این ماده، قانونگذار ولایت طفل صغیر را به عهده جد پدری گذاشته است. ولایت با حضانت تفاوت دارد. حضانت، مربوط به نگهداری و تربیت طفل و ولایت، ناظر به اداره اموال اوست (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ج ۲، ش ۴۲۱). این تفاوت از ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی به روشنی استنباط می‌گردد؛ بنابراین، در صورتی که بعد از فوت پدر، مادر طفل و جد پدری هر دو در قید حیات باشند، نگهداری طفل با مادر و اداره اموال او با جد پدری است. در اینکه آیا بعد از فوت پدر و مادر، حضانت طفل به جد پدری می‌رسد یا وی هیچ اولییتی بر سایر خویشاوندان طفل ندارد، اختلاف نظر است (برای دیدن این نظریه‌ها، ر.ک: همان، ش ۴۰۰). با توجه به اینکه ولایت معمولاً با حضانت همراه است، به نظر می‌رسد بعد از فوت پدر و مادر، نگهداری طفل صغیر تکلیف جد پدری باشد. چنانچه نامبرده در انجام این تکلیف کوتاهی کند و طفل خسارتی به دیگران بزند، طبق ماده ۷ قانون

مسئولیت مدنی، جبران خسارت بر عهده جد پدری خواهد بود.

۳. وصی

ماده ۱۱۸۸ قانون مدنی مقرر داشته است:

هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می‌باشد، وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید.

با وجود این، اگر مادر در قید حیات باشد و عدم صلاحیت وی برای حضانت طفل اثبات نشده باشد، وصی دخالتی در نگهداری طفل صغیر نخواهد داشت و فقط در اداره اموال او دخالت می‌کند؛ این موضوع، از ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی به وضوح استنباط می‌گردد. ولی قهری می‌تواند به جای یک نفر، چند نفر را به عنوان وصی تعیین کند. در صورت تعدد اوصیا، باید مجتمعاً به وصیت عمل کنند مگر اینکه به هر کدام از آنها استقلال عمل داده شده باشد (ماده ۸۵۴ قانون مدنی).

چنانچه نگهداری طفل صغیر با وصی باشد و او در نگهداری کوتاهی کرده باشد و طفل خسارتی به دیگری بزند، طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، وصی مسئول خواهد بود. اگر اوصیا متعدّد باشند، در اینکه آیا مسئولیت آنان تضامنی است یا بالمناصفه مسئول‌اند، جای بحث و تأمل وجود دارد. ممکن است با استفاده از ملاک ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی، آنها را متضامناً مسئول بدانیم، لکن با توجه به اینکه تضامن در حقوق ما استثناست، فرض تناصف با قانون منطبق‌تر است؛ هر چند تضامن به لحاظ اینکه خسارت را بهتر جبران می‌کند با عدالت سازگارتر است.

۴. قیم

قیم هم مانند وصی در صورتی که مادر طفل صغیر زنده باشد، هیچ دخالت و مسئولیتی در نگهداری او ندارد و فقط اداره اموال طفل را عهده‌دار است، لکن چنانچه مادر طفل زنده نباشد، نگهداری او نیز به عهده قیم است. بدیهی است که قیم هم مانند سایر سرپرستان در صورت تقصیر در نگهداری طفل، مشمول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی خواهد بود.

ب) اشخاص حقوقی

اشخاص حقوقی که به موجب قانون به نگهداری صغیر یا مجنون مکلف می‌باشند، بسیار محدوداند. لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور که در جهت تحقق بخشیدن به اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۲۴ ش. به تصویب شورای انقلاب^۱ جمهوری اسلامی ایران رسید، یکی از وظایف مهم این سازمان را حمایت و نگهداری از کودکان و اطفال بی‌سرپرست دانسته است. تقصیر این سازمان در نگهداری اطفال بی‌سرپرست می‌تواند از مصادیق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی باشد؛ بنابراین، چنانچه کودکان خیابانی فاقد سرپرست قانونی باشند و سازمان بهزیستی در جمع‌آوری و نگهداری آنان اقدامی نکند، مسئول خساراتی است که از ناحیه این اطفال به دیگران وارد می‌شود. حتی در سال ۱۳۷۶ ش. قانونگذار قیومت محجوران تحت سرپرستی این سازمان را تا تعیین قیّم از طرف دادگاه صالح برای آنان به عهده سازمان بهزیستی واگذار کرده است.

همچنین می‌توان از دبستانهای دولتی و به طور کلی، آموزش و پرورش به عنوان شخصیت حقوقی حقوق عمومی دیگری که نگهداری از اطفال صغیر به عهده آن است، نام برد. طبق اصل ۳۰ قانون اساسی «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». اجرای این وظیفه قانوناً به عهده آموزش و پرورش می‌باشد؛ بنابراین، چنانچه اطفال صغیر در اوقاتی که در مدارس تحت تعلیم و تربیت هستند، به علت عدم توجه کافی در نگهداری، خسارتی به دیگران بزنند، طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، مدرسه یا آموزشگاه مسئول جبران خسارت خواهد بود.

گفتار دوم: سرپرست قراردادی

منشأ این نوع سرپرستی مستقیماً قانون نیست، بلکه قراردادی است که بین اولیای صغیر یا مجنون با شخص دیگری منعقد می‌شود. این قرارداد ممکن است کتبی باشد

۱. شورای انقلاب تا هنگام تشکیل مجلس شورا، وظیفه قانونگذاری را به عهده داشت.

یا شفاهی، کوتاه مدت باشد یا طولانی. موضوع این قرارداد ممکن است مستقیماً نگهداری و مراقبت از صغیر یا مجنون باشد؛ مانند قراردادهایی که با تیمارستانها و یا پرستارهای خصوصی برای نگهداری مجنون منعقد می گردد یا قراردادهایی که با مهد کودکها و کودکانها برای نگهداری اطفال صغیر بسته می شود، یا اینکه موضوع اصلی قرارداد نگهداری و مراقبت نبوده، بلکه امر دیگری از قبیل تعلیم و تربیت، آموزش حرفه یا هنر خاصی به صغیر باشد؛ مانند اینکه صغیر را برای فراگرفتن زبان خارجی یا آموختن موسیقی به شخص یا مؤسسه ای بسپارند، در این صورت، نگهداری از طفل جنبه فرعی دارد. در هر صورت چنانچه سرپرست، اعم از نگاهدارنده یا معلم و مربی، در مواظبت و نگهداری از صغیر یا مجنون کوتاهی کند، مسئول خسارتی است که در اثر این کوتاهی به اشخاص ثالث وارد می شود.

ممکن است در اثر بی توجهی سرپرست قراردادی خسارتی به شخص صغیر یا مجنون و یا اموالشان وارد شود. در این فرض، سرپرست قراردادی به لحاظ نقض قرارداد، مسئول جبران خسارت است نه به حکم قانون، یعنی در حقیقت، مسئولیت وی قراردادی است و نیازی به اثبات تقصیر او نیست، بلکه برابر ماده ۲۲۷ قانون مدنی باید وجود یک حادثه خارجی را که نمی توان به او مربوط کرد، اثبات کند تا از پرداخت خسارت معاف شود، اما اگر صغیر یا مجنون تحت سرپرستی، خسارتی به اشخاص ثالث وارد کند، مسئولیت سرپرست آنها را نمی توان قراردادی دانست؛ زیرا بین شخص زیان دیده و سرپرست، قراردادی وجود ندارد تا نقض آن موجب مسئولیت قراردادی متعهد گردد؛ به همین دلیل، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی وجود تقصیر را در این مورد شرط مسئولیت سرپرست دانسته است.

در خاتمه، شایان یادآوری است که اگر شخصی بدون تکلیف قانونی یا بدون وجود قرارداد، از صغیر یا مجنونی سرپرستی کند، در قبال افعال زیان بار آنان چه مسئولیتی دارد؟

در این مورد دو فرض قابل تصور است: نخست اینکه کسی از باب احسان و نیکوکاری، صغیر یا دیوانه ای را که از منزل فرار نموده یا مسیر خود را گم کرده و سرگردان است، به طور موقت تحت مراقبت خود قرار دهد تا در موقعیت مناسب او

را به سرپرست واقعی یا مقامات صالحه قانونی تحویل دهد. در چنین موردی با توجه به نیت خیرخواهانه نگهدارنده و بر مبنای قاعده احسان نباید او را مسئول دانست. ممکن است گفته شود پس از اینکه شخص اقدام به نگهداری صغیر یا مجنون نمود، موظف است مراقبتهای لازم را طبق عرف انجام دهد. چنانچه در نگهداری او تقصیر کند همچون سرپرست قانونی و قراردادی، مسئول افعال زیانبار آنان خواهد بود. این نظر هر چند منصفانه نیست، با اصول حقوقی و فلسفه مسئولیت مدنی که جبران خسارت است، سازگارتر به نظر می‌رسد.

فرض دوم اینکه شخصی طفل صغیر یا مجنون را بدون تکلیف قانونی یا قراردادی نگهداری کند و در ضمن نگهداری از آنان بهره‌برداری نماید. در چنین صورتی که فرض احسان منتفی است، نگاهدارنده باید مسئول کلیه اعمال زیانبار صغیر یا مجنون باشد؛ هر چند در نگهداری آنها تقصیر نکرده باشد (ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی).

مبحث دوم: شرایط تحقق مسئولیت مدنی سرپرست صغیر یا مجنون

برای تحقق مسئولیت مدنی به طور کلی، سه شرط اساسی که ارکان مسئولیت مدنی را تشکیل می‌دهد، ضروری است. وجود ضرر، فعل زیانبار، رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیان‌آور.

در این نوشتار، قصد بررسی ارکان مسئولیت مدنی را نداریم، بلکه فقط به بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی و شرایط لازم برای مسئولیت سرپرست اکتفا می‌کنیم (برای مطالعه در مورد ارکان مسئولیت مدنی، ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱/۲۴۱ به بعد).

گفتار نخست: وجود ضرر، تقصیر در نگهداری و فعل زیانبار

الف) وجود ضرر

وجود ضرر، شرط اساسی و اولیه برای مصداق یافتن مسئولیت مدنی است. اگر

عملی هر چند نامتعارف و ناشایست حتی جرم باشد، چنانچه خسارتی به بار نیاورد، مسئولیت مدنی مصداق نمی‌یابد؛ بنابراین، وجود یک ضرر اعم از مادی یا معنوی برای تحقق مسئولیت مدنی ضروری است. بررسی ضرر و انواع آن و شرایط ضرر قابل مطالبه از بحث ما خارج است.

در باره ضرر معنوی لازم به توضیح است که در سال ۱۳۷۸ که قانون آیین دادرسی کیفری به طور آزمایشی و برای مدت سه سال، طبق اصل ۸۵ قانون اساسی در کمیسیون قضایی تصویب شد و تاکنون هم به تصویب نهایی نرسیده است. در این قانون، خسارات معنوی از ردیف خسارتهای قابل مطالبه که در بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق آمده بود، حذف شده است. حذف این بند هیچ توجیه حقوقی ندارد. با توجه به اصل ۱۷۱ قانون اساسی که خسارت معنوی را به صراحت پذیرفته و قوانین عادی از جمله قانون مسئولیت مدنی که خسارت معنوی را همانند خسارت مادی قابل مطالبه دانسته است، باید گفت: خسارت معنوی مانند خسارت مادی قابل مطالبه است.

امروزه اهمیت خسارت معنوی در دنیا کمتر از خسارت مادی نیست. جای تأسف است که قانونگذار ما در قرن بیست و یکم، این نوع خسارت را که حدود هشتاد سال قبل در قانون مجازات عمومی و پس از آن در قانون آیین دادرسی کیفری و ۴۶ سال پیش در قانون مسئولیت مدنی مورد قبول قانونگذاران قبلی قرار گرفته، خسارت به شمار نیاورده و قابل مطالبه ندانسته است. جای خوشحالی است که معدودی از دادگاهها خسارت معنوی را مورد توجه قرار داده و نسبت به آن حکم صادر می‌کنند؛ اگرچه این آرا بسیار محدود و نادر است، امید است که رویه قضایی، آن را تعمیم دهد و خلأ قانونی را جبران نماید.

ب) تقصیر در نگهداری

یکی دیگر از شرایط تحقق مسئولیت مدنی سرپرست صغیر یا مجنون، تقصیر او در نگهداری یا مواظبت از این دسته از محجورین است. تقصیر برابر ماده ۹۵۳ قانون مدنی، اعم است از تفریط و تعدی. تعدی و تفریط در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ همین قانون

تعریف شده است؛ چنانچه سرپرست خواه قانونی یا قراردادی در نگهداری از حدود متعارف یا اذن تجاوز نماید و یا عملی را که به موجب قرارداد یا عرف برای نگهداری لازم است، ترک نماید، مرتکب تقصیر در نگهداری شده است.

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که اگر سرپرست در تربیت صغیر کوتاهی کند و او موجب خسارت به دیگری شود، آیا سرپرست مسئول جبران خسارت وارده هست یا خیر؟ به عبارت روشن‌تر، آیا تقصیر در تربیت می‌تواند تقصیر در نگهداری به شمار رود و مشمول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی گردد؟ به نظر می‌رسد پاسخ، مثبت باشد؛ زیرا کودکی که درست تربیت نشده باشد، در نگهداری و مواظبت از او کوتاهی صورت گرفته است. چنین کودکی اگر به دیگران خسارت بزند، سرپرست به لحاظ تقصیر در نگهداری مسئول است.

یکی از مبانی اماره تقصیر پدر و مادر که در بند ۷ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی کشور فرانسه آمده است، عدم تربیت صحیح است. این قانون می‌گوید کودکی که به دیگری خسارت می‌زند، یا درست نگهداری نشده یا تربیت صحیح ندارد؛ بنابراین، پدر و مادر مسئول جبران چنین خسارتی هستند مگر اینکه ثابت کنند جلوگیری از ورود خسارت از توان آنها خارج بوده است.

ج) فعل زیان‌بار صغیر

به طور کلی، یکی از شرایط مسئولیت مدنی فعل زیان‌بار است. اگر خسارتی به شخصی وارد شود، ولی این خسارت ناشی از اقدام و عمل کسی نباشد، مسئولیت و ضمانتی هم در بین نیست؛ برای مثال، خسارتی که در اثر عوامل طبیعی از قبیل زلزله، سیل، طوفان و امثال آن به اشخاص وارد می‌شود، مسئولیتی متوجه کسی نمی‌کند.

برای تحقق مسئولیت، وجود فعل زیان‌بار ضروری است. در مورد مسئولیت سرپرستان هم باید کودک یا معجون مرتکب عملی شود که ضرر از آن ناشی شده باشد و لازم است که ارتکاب این فعل، توأم با تقصیر باشد؛ زیرا طبق قاعده کلی مندرج در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، مبنای مسئولیت مدنی علی‌الاصول تقصیر است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه

بی احتیاطی به جان یا... مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود». بنابراین، اگر کسی بدون تقصیر، موجب خسارت به دیگری شود، مسئولیتی در جبران آن نخواهد داشت. صغیر یا مجنون هم از این قاعده مستثنا نیستند؛ زیرا معقول نیست که با مجنون یا صغیر شدیدتر از افراد معمولی برخورد شود. ممکن است ایراد شود که صغیر یا مجنون اراده و قوه ادراک ندارند تا بتوان تقصیر را به آنها نسبت داد، در پاسخ می‌توان گفت: منظور از تقصیر در اینجا تقصیر عمدی که نیاز به اراده دارد نیست، بلکه رفتار آنان با انسان متعارف و معمولی سنجیده می‌شود. اگر بر حسب اتفاق، رفتار صغیر یا مجنون متعارف بود، هر چند از این رفتار خسارتی هم به بار آمده باشد، قابل مطالبه و جبران نیست؛ در نتیجه، اگر سرپرست در نگهداری تقصیر کرده، ولی صغیر یا مجنون بدون اینکه مرتکب عمل نامتعارفی شود، خسارتی به دیگری وارد کند، سرپرست مسئولیتی در جبران خسارت ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ج ۱، ش ۲۸۰).

گفتار دوم: نحوه جبران خسارت

در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، قانونگذار، سرپرست صغیر یا مجنون را که در نگهداری او کوتاهی کرده، مسئول جبران خسارت دانسته و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد...

حکم قسمت دوم این بخش از ماده، یعنی جبران خسارت از مال صغیر یا مجنون، بر خلاف قاعده کلی مسئولیت مبتنی بر تقصیر که در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی آمده، می‌باشد؛ با وجودی که شخص مقصر (سرپرست) مشخص و معلوم است، چرا باید مجنون یا صغیر خسارت را جبران کنند؟ در این مورد، دو فرض قابل تصور است: یکی اینکه زیان جبران نشده باقی بماند و زیان دیده منتظر ملائت عامل زیان شود، دیگر اینکه خسارت از مال صغیر یا مجنون جبران شود. قانونگذار فرض دوم را برگزیده و ضرر را بر کسی تحمیل کرده که باعث آن بوده است. سؤال مطرح این است که در صورت عدم امکان جبران تمام یا قسمتی از

خسارت از سوی سرپرست، آیا صغیر یا مجنون شخصاً مسئول جبران خسارت‌اند یا اینکه خسارت از مال آنان به قائم‌مقامی سرپرست جبران می‌شود و در صورت ملائت سرپرست می‌توانند خسارتی را که به جانشینی از او جبران کرده‌اند، از وی وصول نمایند؟ برخی از اساتید، مجنون یا صغیر را در طول سرپرست مسئول دانسته‌اند؛ چنانچه سرپرست مقصر، امکان جبران خسارت را نداشته باشد، صغیر یا مجنون باید خسارت را جبران کنند (همان).

با توجه به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی به نظر می‌رسد صغیر یا مجنون شخصاً مسئول نباشند و جبران خسارت از مال آنان به قائم‌مقامی سرپرست و برای رعایت حال زیان‌دیده باشد. فرض کنید، تیمارستانی به موجب قرارداد و در قبال دریافت وجه، نگهداری مجنونی را به عهده گرفته است. بر اثر بی‌توجهی و اهمال کارکنان تیمارستان، مجنون فرار می‌کند و خسارات سنگینی به اشخاص وارد می‌کند. طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی اگر تیمارستان امکان جبران خسارت را نداشته باشد، باید از مال مجنون جبران شود؛ چنانچه تیمارستان ثروتمند شود و استطاعت پرداخت خسارتی را که در اثر تقصیر او به وجود آمده، پیدا کند، آیا عادلانه است که این ضرر همچنان بر مجنون تحمیل شود و تیمارستان دین مسلم خود را نپردازد؟ به موجب کدام قاعده حقوقی، عسرت مدیون سبب سقوط دین می‌گردد؟ حداکثر امتیازی که در قوانین برای معسر در نظر گرفته شده، دادن مهلت یا قرار اقساط برای پرداخت بدهی است (ماده ۲۷۷ قانون مدنی و ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷). بنابراین، به نظر می‌رسد چنانچه طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، خسارت از مال صغیر یا مجنون جبران گردد، او بتواند آن را از سرپرست مطالبه کند.

نکته دیگری که در ماده ۷ قابل تأمل است، قسمت آخر این ماده می‌باشد که مقرر داشته: «در هر صورت، جبران زیان باید به نحوی باشد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده نگردد». در این مورد هم باید گفت: زیان ساقط نمی‌گردد و زیان‌دیده باید منتظر رفع عسرت جبران‌کننده بماند و در هنگام ملائت، خسارتی را که جبران نشده، از او مطالبه کند.

سؤال مطرح در اینجا این است که در صورتی که صغیر یا مجنون، بدون اینکه سرپرست، تقصیری در نگهداری کرده باشد، خسارتی به دیگری بزنند و طبق ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی شخصاً ناگزیر از جبران زیان باشند، باز هم قسمت آخر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی قابل اجراست یا اینکه جلوگیری از عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان، اختصاص به موردی دارد که طبق همین ماده (ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی) صغیر یا مجنون ناگزیر از جبران خسارت ناشی از تقصیر سرپرست خود می‌گردد. اگر فلسفه وجودی قسمت آخر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، جلوگیری از عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان باشد، تفاوتی نمی‌کند که این زیان را صغیر یا مجنون شخصاً جبران کند یا به قائم مقامی از سرپرست جبران گردد؛ در هر دو صورت، تنگدستی باید مانع جبران خسارت شود.

به نظر می‌رسد این حکم را به تمام مواردی که شخص ناگزیر از جبران زیان می‌شود، بتوان تسری داد. مسئله‌ای که از نظر آیین دادرسی در مورد ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی باقی می‌ماند، این است که آیا زیان دیده باید دعوی خود را به طرفیت سرپرست و مجنون یا صغیر مجتمعاً مطرح کند یا اینکه تنها سرپرست را طرف دعوا قرار دهد و چنانچه نتواند حکم را علیه او اجرا کند، از اموال صغیر یا مجنون وصول نماید. اشکال این فرض این است که حکمی را علیه صغیر یا مجنون اجرا می‌کنیم که آنها نسبت به آن دفاع نکرده‌اند. البته در صورتی که سرپرست، نمایندگی قانونی صغیر یا مجنون را هم داشته باشد، مانند ولی، وصی یا قیم، این اشکال منتفی است، ولی چنانچه سرپرست فقط مسئول نگهداری باشد و نمایندگی قانونی نداشته باشد، مانند تیمارستان، مهد کودک، مربی ورزش و امثال آن، اشکال همچنان باقی است. در این گونه موارد بهتر است از ابتدا، سرپرست و مجنون و صغیر با هم طرف دعوا قرار گیرند تا امکان دفاع برای همگی آنان باشد. در صورتی که حکم بدون دخالت نماینده قانونی صغیر یا مجنون صادر شود، آنان حق اعتراض نسبت به آن حکم را به عنوان شخص ثالث خواهند داشت.

نتیجه گیری

مسئولیت صغیر یا مجنون یکی از مصادیق مسئولیت ناشی از فعل غیر است که استثنا بر قاعده شخصی بودن مسئولیت می باشد.

مسئولیت سرپرست مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است؛ یعنی سرپرست وقتی مسئول جبران زیان است که در نگهداری یا مواظبت از صغیر یا مجنون کوتاهی کرده باشد، علاوه بر آن، فعل زیان بار مجنون یا صغیر هم فعل نامتعارف باشد.

پدر و مادر عرفی مسئول خسارات ناشی از فعل فرزند نامشروع (ولد زنا) می باشند و از لحاظ مواظبت و نگهداری، تفاوتی بین فرزند مشروع و نامشروع وجود ندارد.

جبران خسارت از اموال صغیر یا مجنون در صورت عدم استطاعت سرپرست آنان، خلاف قواعد عمومی مسئولیت مدنی است و سرپرست در صورت ملائت باید خسارتی را که از اموال صغیر یا مجنون جبران شده، به آنان پردازد.

کتاب‌شناسی

- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، چاپ پنجم، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین، تهران، چاپ سیروس.
- صفایی، سیدحسین، مجله حقوق وزارت دادگستری، شماره ۱۶، سال ۲۵۳۶.
- کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- همو، حقوق مدنی: حقوق خانواده، چاپ چهارم، تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۵.
- همو، فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷.
- همو، مسئولیت مدنی، چاپ دوم با تجدید نظر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- مجموعه قوانین سال ۱۳۷۶، چاپ روزنامه رسمی.
- معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰.
- Pierre Guiho, *Cours de droit civil*, Les Obligations.

